



# HOTEL MICHELANGELO

00165 - ROMA

VIA STAZIONE S. PIETRO, 14

ایرج افشار

## رَمیات

ازدهم تا نوزدهم فروردین ۱۳۴۹ در راه رم و شهر بسیار زیبا و تاریخ نمای رم گذشت، اگرچه خوابگاهمان هتل میکلا آنجللو در حوزة واتیکان بود. در رفتن و برگشتن با عباس زریاب خویی و مهندس محسن فروغی و همسرش همسفر بودم. در رم به سید حسین نصر و بهرام فره‌وشی از یاران دانشگاهی و شجاع‌الدین شفا، مجید یکتائی، رکن‌الدین همایون فرخ، محمود کورس، عباس مزدا و دکتر نیری (طبيب صاحب مجموعه مهرهای پیش‌اسلامی) ملحق شدیم. آنها پیش‌از ما رفته بودند. احسان یارشاطر، فریدون و همن‌از آمریکا و دانمارک آمده بودند. یحیی ماهیار نوایی هم که برای شرکت در کنگرة نامهای جغرافیائی به آمریکا رفته بود خود را به کنگرة ایران‌شناسی رم رسانید بود، همه آمده بودند که در دومین کنگرة جهانی ایران‌شناسان شرکت کنند. کنگرة با پیام شاهنشاه آریامهر که شجاع‌الدین شفا ترجمه ایتالیائی آن را بر خواند آغاز شد. شرکت کنندگان غیر ایرانی عبارت بودند از: آنتونو پولیاریو استاد زبانها و فرهنگ ایران پیش‌اسلامی در رم، هانری کریبن فلسفه‌شناس و استاد نامور فرانسوی، راتول مانسلی از ایتالیا و محقق درباره فرهنگ قدیم، ماریو گریانچی ایتالیائی مقیم فرانسه که درباره عصر ساسانی تحقیق می‌کند، اوگوییانکی ایتالیائی، آرمان آبل عرب‌شناس بلژیکی، کلود کائین فرانسوی استاد دانشگاه استراسبورگ و تاریخ‌شناس دوره اسلامی، فرانسیسکو گابریلی ایتالیائی استاد عرب‌شناسی در رم، ریچارد نلسون فرای (یا بقول خودش فرای شیرازی ایراندوست) استاد ایران‌شناسی دانشگاه هاروارد آمریکا و رئیس مؤسسه آسیائی دانشگاه پهلوی شیراز، ینولی ایتالیائی استاد جوان زبانها و فرهنگ پیش‌اسلامی ایران در ناپل، آسموسن دانمارکی استاد ایران‌شناسی و متخصص زبانهای ایرانی دانشگاه کپنهاگ، توفیق فهد متخصص ادبیات عربی و استاد دانشگاه استراسبورگ، زایانچوسکی استاد معمر ترک‌شناس لهستانی، جان بوئل استاد تاریخ دوره اسلامی ایران در دانشگاه منچستر، فون گرونباوم استاد اسلام‌شناسی دانشگاه لوس‌آنجلس و مستشرق متنفذ آمریکائی، یوسف توچی استاد معمر و بسیار فعال باستان‌شناسی و هنر آسیا و مدیر کاردان مؤسسه ISMEO (ایزمئو)، یانوس هارماتا استاد مجارستانی زبانهای قدیم ایرانی، ژاک دوشن گیمن استاد زبانها و ادیان پیش‌اسلامی ایران در دانشگاه لیژ بلژیک،

خانم لمبتن استاد تاریخ ایران و زبان فارسی در مدرسه شرقشناسی دانشگاه لندن، کارلیان استاد ایرانشناسی دانشگاه لیدن و محقق و اله رشیدالدین فضل‌الله طبیب، ویلهلم ایلرس استاد مشهور زبانهای ایرانی در دانشگاه وورتسبورگ آلمان و مدیر کوشای اتحادیه ایرانشناسان آلمان، مارگریت هارمانا (زن آقای هارمانا) که خود ایرانشناس و متخصص فرهنگ پیش اسلامی ایران است، والتر هینتز استاد متبحر آلمانی در ایرانشناسی بطور اعم و مخصوصاً تاریخ و تمدن دوره هخامنشی، خانم هارپر متخصص تاریخ هنر و موزه دار امریکائی، فیلیپ ژینیو استاد دانشمند و محقق جوان فرانسوی در زبان پهلوی و فرهنگ باستانی ایران، فریتز مایر مدیر شعبه شرقشناسی دانشگاه بال سوئیس و عرفان شناس شایسته و مشهور، برنارد لوئیس تاریخ شناس متبحر ممالک اسلامی و استاد دانشگاه لندن، برتولد اشپولر دانشمند و استاد اسلامشناسی دانشگاه هامبورگ و مؤلف کتابهای مشهور مغولها در ایران و ایران در قرون نخستین اسلامی و مدیر مجله Der Islam و پردازنده آثار بسیار دیگر. کارراتلی ایتالیائی محقق در تاریخ پیش اسلامی ایران، اسکارچیا جوان دانشمند و ایران دوست که اکنون در دانشگاه و نیز استاد ایرانشناسی است و آثار متعدد از او درباره ایران انتشار یافته است، ویدنکین استاد مشهور ادیان ایرانی پیش اسلامی در دانشگاه اوپسالا.

تاکنون در شهر رم دو کنگره علمی درباره ایران تشکیل شده است: یکبار در سال ۱۹۶۵ با نام «ایران و دنیای یونانی- رومی»، ۱ و بار دوم در فروردین ۱۳۴۹ (آوریل ۱۹۷۰) با نام «ایران در قرون وسطی» La Persia nel Medioevo در حقیقت کنگره دومی دنباله همان کنگره نخستین است و آکادمی ملی لینیچی یعنی تشکیل دهنده کنگره است در زمینه تحقیقات تاریخی خواسته است که مطالعات ایرانی را در زمینه تاریخ ترقی دهد.

تشکیل کنگره اخیر در رم به حساب دیگر دومین کنگره جهانی ایرانشناسان شناخته شد. زیرا پس از انعقاد کنگره اول در تهران (شهریور ۱۳۴۵) ایتالیاییها در خواه شدند که دومین کنگره در ایتالیا برپا شود. طبعاً به یک تیر و نشان زده شد. هم دنباله کار کنگره اول آکادمی ملی لینیچی گرفته شد و هم آنکه دومین کنگره جهانی ایرانشناسی سر وقت مقرر تشکیل گردید.

ازین پس اگر کنگره‌ای جهانی برای ایرانشناسی منعقد شود سومین آن است ... شرکت کنندگان در کنگره دوسته بودند: گروهی به دعوت رسمی آکادمی ملی لینیچی یعنی به خرج ایتالیاییها شرکت کردند. تعداد آنها (با انضمام خود ایتالیاییهای شرکت کننده) سی و پنج نفر بود، همه از شرقشناسان برجسته و متبحر بودند، اگر چه رشته خاص همه آنها ایرانشناسی نبود. در میانشان ترکشناس بود، عربشناس بود، اسلام شناس هم بود ...

درین کنگره جای بسیاری از ایرانشناسان بزرگ خالی بود. یک دسته آنها پس از کنگره اول جان به جان آفرین سپرده اند. نام جمعی را شجاع الدین شفا در جلسه آخری بر خواند و به احترام آنها یک دقیقه سکوت شد. من هم درینجا نام آن عده را که به یاد دارم به پاس خدمات بسیاری که کرده اند می آورم و برای جملگی طلب غفران دارم: سید حسن تقی زاده،

۱- مجموعه خطابه‌هایی که در آن کنگره Romano - La Persia e il mondo Greco - ایراد شد در کتابی بزرگ توسط آکادمی ملی لینیچی در سال ۱۹۶۶ انتشار یافت.

ابراهیم پورداود ، سعید نفیسی ، سید فخرالدین شادمان ، لطفعلی صورتگر ، مهدی بیانی ، والتر هیننگ ، یان ریپکا ، ولادیمیر مینورسکی ، آندره گدار ، آرتور اپهام پوپ ، هانری ماسه ، آربری ، اولاف هانس ، دیا کونوف ، محمد اسحق ، نظام الدین ، کای بار... .

دسته دیگر کسانی بودند که دعوت نشده بودند . البته از دولت ایتالیا که دعوت کننده بود نمی توان توقع داشت که عده کثیری را دعوت کرده باشد . ولی معلوم نیست چرا دانشمندی چون فلیپانی رونکونی ایتالیایی را که در رم مقیم است بدین مجمع نخوانده بودند . چراپیه مونتسه ایران شناس جوان فعال ایتالیار ا دعوت نکرده بودند . البته ، صلاح مملکت خویش رومیان دانند ! از دانشگاه تهران سید حسین نصر و عباس زریاب خوبی و بهرام فره وشی مقاله خواندند . آثارشان مورد توجه واقع شد در باب مقاله نصر دانشمندی نامدار چون هنری کرین برپاخواست و اظهار نظر کرد . درباره خطابه زریاب که نکته ای دقیق در باب عقاید دینی ایلخانان بود کارل یان وبویل که هر دو متخصص تاریخ دوره مغولند به من گفتند که دوست خوب از عهده بر آمد . مطلبی دقیق و تازه را مطرح کرد . خطابه فره وشی هم مورد توجه قرار گرفت . او در خصوص علت سقوط سلسله ساسانی بحث کرد . حتماً نخستین بار بود که مستشرقان در یک مجمع بین المللی عقاید ایرانی محقق را در باب شکست ایرانیان می شنیدند .

دوست عزیزم احسان یار شاطر که اکنون سمت ریاست موسسه مطالعات خاورمیانه دانشگاه کلمبیا ( نیویورک ) را بر عهده دارد ایرانی دیگری بود که خطابه ای دقیق خواند . کنگره پنج روز مدت گرفت و با ناهاری که فرهنگستان لنینچی در کنار دریای مدیترانه به مدعوین داد به سر رسید و هریک از گوشه ای فرارفتند و دانشی مرد پیر لهستانی بنام زایانچکوسکی که در ترکشناسی استاد بود از کنگره به سرای باقی شتافت . او درین سال اخیر بدون اینکه مطلع باشد که متن آداب الحرب والشجاعه فخرمدبر در طهران به توسط آقای احمد سهیلی خوانساری طبع شده است طبیعی عکسی از آن کتاب منتشر کرده بود و در همان باب هم در کنگره صحبت کرد . هیچ خیال نمی کرد که پیش از او دیگری همین کار را کرده است خود در رم جان به جان آفرین خواهد سپرد . این عمر به سر رسد چه بغداد و چه بلخ ! از فوائد قطعی کنگره ها مبادله اطلاعات علمی میان اعضای کنگره و توزیع مقالات چاپ شده است که به یکدیگر می دهند و ازین راه در جریان کارهای تازه قرار می گیرند . مثلاً من نمیدانستم که درباره تاریخ اولجایتویکی از شاگردان هینتز در گوتینگن کار کرده است و طبعاً ممکن است بسیاری از مشکلات موجود در چاپ خانم حاجیان پور ( بنگاه ترجمه و نشر کتاب ۱۳۴۸ ) مورد رسیدگی قرار گرفته باشد و حل شده باشد .

یا اینکه اسکارچیا و پیه مونتسه به من اطلاع دادند که متن سفرنامه میشل ممبره و نیزی M. Membré را که در ۱۵۴۲ ( در عصر شاه طهماسب ) در ایران بوده است پیدا کرده اند و به چاپ رسانیده اند و عن قریب انتشار خواهد یافت . اوراق مطبوعه ای آن را هم دیدم . کتاب به زبان ایتالیایی عصری است و البته مهجور . توضیحات و مقدمه چاپ کننده کمک به فهم آن می کند . طبعاً برای سلطنت شاه طهماسب که مدارک ما بسیار نیست این سند بسیار ارزشمندست و باید به زبان فارسی هم نقل شود .

یا اینکه از زبان پیه مونتسه شنیدم که مقداری عکس که در سال ۱۸۶۲ از تبریز و تهران

و مناظر دیگر ایران توسط سیاحی ایتالیایی برداشته شده به دست آمده است. او قصد دارد آنها را به چاپ برساند. بدون شك این عكسها با ارزش خواهد بود.

یا اینکه از کارل یان شنیدم که سه شماره از مجله Central Asiatic Journal را به یادنامه رشیدالدین فضل الله طبیب اختصاص داده اند و چندین مقاله درجه اول در آن درج خواهد شد و بزودی انتشار خواهد یافت. چون از دهان من برآمد که ما هم توفیق یافته ایم که نسخه اصیل و قفنامه رشیدالدین را بخریم و توسط انجمن آثار ملی به چاپ خواهد رسید لمحهای در بهت و اعجاب فرورفت. پس و درخواه شد که عكس يك صفحه از نسخه را که به خط رشیدالدین است با توضیحی جهت درج در آن مجله ارسال نمایم.

از مقاله های تازه ای که درباره ایران بقلم بوزانی نشر شده است این آثار شمردنی است: اصطلاحات دریانوردی در اقیانوس هند بر اساس چند مرجع عربی و فارسی و از جمله مقاله سدیدالسلطنه کبابی که توسط احمد اقتداری در فرهنگ ایران زمین نشر شده است. بوزانی این مقاله را در مجله مشهور Annali (جلد نوزدهم - ۱۹۶۹) چاپ کرده است.

مقاله دیگرش وصفی است از نسخه خطی «فارسی- مالزی» دستور زبان عربی که متعلق به قرن نهم هجری است و در همان مجله و همان جلدش چاپ شده است.

مقاله دیگرش یادداشتی است درباره منتخبات شعری عرفانی فارسی یا ترجمه بین السطور به زبان مالزی مورخ ۹۹۰ هجری که در Annali جلد هجدهم چاپ شده است.

پیه مونتسه جوانی است که باهمتی بلند و شوقی بسیار به تحقیقات ایران شناسی پرداخته است و هر روز از زیر قلمش اثری تازه نشر می شود. هموست که سفرنامه ممبره را به ترغیب استادش اسکارچیا چاپ می کند. از مقالات تازه و مفید او این چند تارا معرفی می کنم:

اسناد و موادی درباره سرگذشتنامه میرزا ملکم خان. عبارت است از تحقیقی در احوال او بانضمام متن چند گزارش که در بایگانی وزارت امور خارجه ایتالیا به دست آورده و ترجمه ای از نوشته های خان ملک ساسانی و آثار دیگر. این مقاله در Annali جلد نوزدهم (۱۹۶۹) چاپ شده است.

مقاله دیگرش توصیفی است از وضع تعزیه داری در عصر ناصرالدین شاه بر اساس نوشته عبدالله مستوفی از کتاب خاطرات من.

مقاله دیگرش رابطه بین ایتالیا و ایران در قرن نوزدهم میان سالهای ۱۸۵۷ تا ۱۸۶۲ عنوان دارد و مرتبط است به دوران سفارت فرخ خان امین الدوله و حسنعلی خان امیر نظام. در این مقاله متن فارسی قرارداد تجاری سال ۱۸۶۲ نیز چاپ شده است. این مقاله را در مجله معروف Oriente Moderno (سال ۱۹۶۸) چاپ کرده است.

مقاله دیگرش که بازهمان عنوان را دارد حاوی متن و ترجمه چند نامه از ناصرالدین شاه به ویکتور امانوئل دوم و ازین پادشاه به ناصرالدین شاه است و در همان مجله (سال ۱۹۶۹) چاپ شده است.

مقاله دیگرش که به زبان انگلیسی است و در مجله West and East سال نوزدهم چاپ

گردیده است

«ماخذی ایتالیایی درباره تاریخ قاجار: گزارشهای ژنرال انریکو آندرینی» نام دارد

ژنرال A. Andreini که در سالهای ۱۸۷۱ تا ۱۸۸۶ در ایران بود گزارشهایی به ایتالیا فرستاد که درین مقاله مورد معرفی و تفسیر قرار گرفته و ملخصی از چندتای آنها به چاپ رسیده است و مارا بریک مأخذ جدید آگاه می‌سازد. آندرینی درین گزارشها اطلاعات مفیدی را در زمینه‌های سیاسی و اجتماعی مضبوط کرده است.

از فعالیتهای مؤثری که به محاذات تشکیل کنگره در ایتالیا مشهود گردید اعلام تأسیس اتحادیه ایرانشناسان ایتالیا است. اعضای آن عبارتند از چرولی E. Cerulli نایب رئیس فرهنگستان لینیچی و سفیر سابق ایتالیا در ایران که از مستشرقان مشهور آن کشور است، پالیارو A. Pagliaro استاد ایرانشناسی دانشگاه رم، گابریلی T. Gabrieli استاد عربشناسی دانشگاه رم، بوزانی Bausani استاد زبان و ادبیات فارسی مؤسسه شرقشناسی ناپل، بمباچی A. Bombaci استاد ترکشناسی دانشگاه رم، ینولی Gh. Gnoli استاد ایرانشناسی مؤسسه شرقشناسی ناپل، اسکارچیا A. Fillipani Ronconi استاد و محقق اسلامشناسی مؤسسه شرقشناسی ناپل، اسچراتو M. Scerrato استاد هنر اسلامی و باستانشناسی در مؤسسه شرقشناسی ناپل، پیه‌منتسه A. Piemonte مدرس و محقق ادبیات فارسی در دانشگاه رم، خانم اسکارچیا B. Scarcia محقق تاریخ دوره اسلامی.

شجاع‌الدین شفا که در کار ایرانشناسی شوقی مخصوص و فعالیتی مستمر پیدا کرده است یکبار مهمانی مجللی دریک هتل درجه اول ترتیب داد و همه اعضای کنگره وعده‌ای از بزرگان رم را بدانجا دعوت کرد. یکبار هم اعضای اتحادیه ایرانشناسان و ایرانیان شرکت کننده در کنگره را به ناهار شاهانه خواند. جزین روز سیزده نوزده همه ایرانیان شرکت کننده در کنگره را به گردش برد و به ناهار بسیار دلچسبی بر فراز تپه‌ای مشرف بر دریاچه آسمانگون گون‌دولفا و در کنار «صخره پاپ» (تپه بیلاقی پاپ) اطعام کرد ..... قصه همین بود.